



احیای اسطوره

بزدانی با طلای وزن ۸۶ کیلوگرم کشتی آزاد بوداپست نشان داد
آماده صید دومین طلای المپیک خود است

صفحه ۶

یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۳ | ۲۲ دی‌ماه ۱۴۵۵ | آذرین ۲۰۲۴ | سال شانزدهم | شماره ۵۷ | ۸ صفحه | ۵۰۰ نام

تیتربهای امروز

در حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی به غزه ۶۰۰ غیرنظامی شهید و زخمی شدند

جنایت انصیرات

■ تاکنون ۱۵ هزار کودک

در جنگ غزه به شهادت رسیده‌اند

■ گزارش سازمان ملل به کودک‌کش بودن

رژیم صهیونیستی، سوءاستفاده جنسی، ربایش کودکان و البته ممانعت از رسیدن کمک‌های بین‌المللی به آنها اشاره می‌کند



صفحه ۷

۵ مطالبه اولویت‌دار اقتصادی از دولت چهاردهم که باید دید نامزد‌های ریاست جمهوری چه برنامه‌هایی برای آن دارند

طرح اقتصادی

ایران

صفحه ۵

مسیر تحقق نظام مالیاتی توسعه‌گرا و عدالت‌محور با تمرکز ویژه دولت بر دانه‌درشت‌ها

انتظارات مالیاتی

صفحه ۳

نکته

تکرار بازی انتخاباتی غربگرایان

سارا هوشمندی: تمایز میان «هفتیت» و «عنیت» در طول تحولات بشر و تاریخ روابط انسانی در جهان، همواره مورد توجه فلاسفه، سیاستمداران و محققان علوم شناختی بوده‌است. سوال اصلی این‌است: آنچه در ذهن انسان نقش می‌بندد و تعریف می‌شود یا تصور انسان از یک پدیده، تا چه اندازه با واقعیت و تصدیق آن همخوانی دارد. هر اندازه میان تصور و تصدیق فاصله کمتری وجود داشته باشد، قطعاً آن پدیده از شفافیت بیشتری برخوردار است. در علوم سیاسی و علم روابط بین‌الملل، بیش از تفکیک ذهنیت و عنیتیت، با تفکیک «بود» و «مود» مواجهیم؛ تفکیک واقعیت یک پدیده از تصویری که نزد دیگران (به معنای عام و خاص) نقش می‌بندد. در نگاه ماکیاولیستی و ابزار گراییه به قدرت، ساختگی بودن پدیدهها و وارونه‌نمایی آنها به مثابه یک رویکرد و سنت پدیدارشناسی و سیاستمدار، کسی‌است که بیشتر پنهانکاری کند و کمتر صداقت به خرج دهد؛ در قرن گذشته بویژه پس از جنگ دوم جهانی این مساله نمود ویژه‌ای یافت و صاحبان قدرت در غرب معیار برتری خود بر همتایان‌شان را در تمیز دادن اصالت و تصویر وقایع و رخدادها جست‌وجو می‌کردند. اکنون هم این روند همچنان ادامه دارد و سیاست‌ورزی منهای اخلاق از طریق لا‌پوشانی، سانسور و دروغ‌پردازی‌های بزرگ و کوچک تبدیل به یک الگوی متعارف حکمرانی در غرب شده‌است. ***

ذکر ایسن مقدمه، جهت درک رفتار انتخاباتی جریان‌های سیاسی حامی غرب در ایران ضروری بود؛ متعاقب ظهور جریان اصلاحات در ۲ خرداد ۷۶، تفکیک میان «بود» و «مود» روندها، وقایع و حتی حوادث ریز و درشت جاری در سپهر سیاسی – اجتماعی کشور، حکم بخش جدایی‌ناپذیر مانیفست جریان تجدیدنظرطلب در کشورمان را پیدا کرد. تزیین «مودها» و کتمان «بودها» حتی به حکم یک تاکتیک مقطعی، بلکه حکم یک استراتژی کلان و تغییر‌ناپذیر را در این جریان به اصطلاح روشنفکر و غربگرا پیدا کرد. امروز در حالی که ۴۶ سال از پیروزی انقلاب اسلامی سپری شده و در آستانه برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم قرار داریم، کماکان همین استراتژی و فرمول کلان در جبهه‌های اصلاحات و اعتدال خوندنمایی می‌کند. تصویرسازی دگماتیستی از اصولگرایان و جلوه دادن آنها به مثابه یک مجموعه از هم گسخته، متشنج و فاقد دانش سیاسی و فنی، با شدت و حدتی وقیحانه در دستور کار اتاق فکر رقیب قرار گرفته‌است. در چنین منظومه‌ای، بیشترین و بارزترین کثرت و اختلافات عهده‌میان اصلاح‌طلبان، حزب کارگزاران و حزب عدالت و توسعه به مثابه یک چندصدایی دم‌کراتیک(۱) و کمترین اختلاف میان اصولگرایان به مثابه عدم تحمل و دیکتاتوری جریانی و حزبی مورد توجه قرار می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۶

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

۱۸۹۱سان و ۲۵۹روز گذشت |



افیون افعی

نگاهی به سریال «افعی تهران» که یک عقبگرد اجتماعی در مواجهه با واقعیات و معضلات جامعه بود

صفحه ۸

VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4057 | SUN.JUN.09, 2024 | ISSN:2008-2886

یادداشت روز

کرانه باختری

آتش زیر خاکستر

[مهدی بختیاری]



هجوم صهیونیست‌های تندرو به مسجدالاقصی در قالب راهپیمای روز پرچم، بار دیگر نشان داد صهیونیست‌های اشغالگر فلسطین –

بویژه شهر کنش‌نشینان و وابستگان به احزاب افراطی این رژیم – بزرگ‌ترین مانع برای ایجاد آرامش در سرزمین‌های اشغالی و کرانه باختری هستند ۵۷ سال پیش در چنین روزهایی، ارتش صهیونیست در جریان جنگ ۶ روزه، طی یک حمله غافلگیرکننده به ۳ ارتش بزرگ عربی (مصر، سوریه و اردن) شکست سختی بر آنها تحمیل کرد اما سخت‌تر از این شکست؛ اشغال سرزمین‌های بیشتر بویژه بیت‌المقدس توسط صهیونیست‌ها بود.ارتش رژیم اشغالگر در جریان این جنگ، صحرای سینا را از مصر، بلندی‌های جولان را از سوریه و کرانه باختری را از اردن به اشغال خود درآورد و به این ترتیب بعد از سال‌ها، نظامیان صهیونیست به سردمداری «اسحاق رابین» و «موشه دایان» وارد شهر قدیمی قدس و صحن مسجدالاقصی شدند. این یکی از دردناک‌ترین مقاطع تاریخ معاصر است که اشغالگران اسرائیلی، فاتحانه به دومین شهر مقدس مسلمانان وارد شدند و این اشغالگری تا به امروز هم ادامه داد.

هم‌زمان با سالگرد این اتفاق دردناک، صهیونیست‌ها در قالب راهپیمایی موسوم به راهپیمای پرچم به سمت مسجدالاقصی (که قانوناً حق ورود و انجام مناسک در آن را ندارند) حرکت می‌کنند که این اقدام خصمانه هتک حرمت قبله اول مسلمانان تلقی می‌شود. ورود غیرقانونی یهودیان به صحن مسجدالاقصی که گاه با همراهی نظامیان ایسن رژیم انجام می‌شود البته مساله بی‌سابقه‌ای نیست، سال ۲۰۰۰، اقدامی مشابه که توسط «آریل شارون» (نخست‌وزیر اسبق اسرائیل که در آن مقطع رهبری اپوزیسیون دولت را بر عهده داشت) به همراه جمعی از نظامیان این رژیم روی داده، آتش دومین انتقاضه بزرگ و سراسری فلسطینیان را روشن کرد که به «انتفاضه الاقصی» مشهور شد. این بار هم افراطیون صهیونیست نظیر «ایتمار بن گویبر» و «بتزال اسموتیچ»، ۲ نفر از وزرای افراطی کابینه «بنیامین نتانیاهو» سردمدار این راهپیمایی بودند که به دلیل ریسک بالای آن (ترس از حرقه قیام در میان فلسطینیان کرانه باختری) پلیس اسرائیل مجبور شد در جاهایی جلوی آنها را بگیرد. هتک حرمت مسجدالاقصی در حالی رخ می‌دهد که ارتش اسرائیل ۸ ماه است درگیر نبردی سنگین با مقاومت فلسطین در غزه است و هم‌زمان یکی از بی‌بهای اصلی آنها فعال شدن جبهه کرانه باختری است. کرانه باختری از سال‌ها قبل با تمرکز گروه‌های مقاومت فلسطینی، تا حد زیادی مسلح شده و این خطر برای صهیونیست‌ها احساس می‌شود که فعال شدن این جبهه – آن هم با انگیزه مقابله با هتک حرمت مسجدالاقصی که همیشه یکی از پررنگ‌ترین خطوط قرمز فلسطینی‌ها بوده است – بخش زیادی از توان نظامی این رژیم را از غزه به سمت این منطقه منحرف کند.

کرانه باختری اگرچه مانند غزه تحت کنترل حماس نیست و از این بابت گروه‌های مبارز وضعیت سخت‌تری دارند (چون هم‌زمان باید با دولت فاقد شرافت محمود عباس خائن، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطینی هم بجنگند) اما در ۲-۳ سال گذشته نشان داده شد که جوانان معنقد به مبارزه در آن، بدون اینکه منتظر فراهم شدن زمینه مبارزه از طرف گروه‌ها باشند، دست به عملیات تک نفره یا دو نفره می‌زنند.

حجم انبوه عملیات‌های شهادت‌طلبانه در ماه‌های منتهی به توفان الاقصی، اسرائیل را در مقاطع مختلف درگیر چالش‌های بزرگ امنیتی کرد و شاید این مساله به دلیل عظمت و بزرگی عملیات توفان الاقصی و ضربات خردکننده

حما و گروه‌های فلسطینی به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تا حدی به چشم نیامد اما مفاتحت سیاسی و نظامی اسرائیل بهتر از هر کس دیگری می‌دانند به همان نسبت که امروز از سمت جنوب (غزه) و شمال (حزب‌الله لبنان) با خطر جدی مواجه هستند، همین میزان ترس را باید از سمت کرانه باختری هم داشته باشند. از این منظر است که می‌توان دریافت رژیم صهیونیستی چطور نگران رفتار تندروهای شهرکنشین به سردمداری افراطیون حاضر در کابینه است. تصاویر راهپیمایی پرچم بر خورد شهرکنش‌ینان تندرو با فلسطینیان و حتی خیرنگاران، موج عظیمی از اعتراضات جهانی را برانگیخته و شاید دور از ذهن نباشد اگر جلوی این تندروی‌ها گرفته نشود، ارتش اسرائیل مجبور نشود جبهه دیگری را برای مقابله با تهدیدات بزرگ در کرانه باختری رود ارن باز کند.

«وطن امروز» نتیجه تحقیقات و پژوهش‌های آماری را بررسی کرد

مردم ایران به چه کاندیدایی و با چه شاخصه مدی ریتی‌ای رأی می‌دهند؟

بزرگ‌ترین نظریه‌پرداز مکتب نئورالیسیسم، جدیدترین دکتترین خود را تشریح می‌کند

مرشایمر: چرا اسرائیل و آمریکا باخند و ایران برد؟

کمی جلوتر، الکساندر وارد و مت برگ، نویسندگان تازنمای آمریکایی پولیتیکو نیز به نقل قولی مشابه از او در مقاله‌شان با عنوان «پیروزی کامل اسرائیل در غزه بعد است» پرداخته بودند.

فراتر از تبلیغات شریرانه حامی اسرائیل که در اکثریت قریب به اتفاق رسانه‌های غربی مشاهده‌می‌کنیم، مشکل جدی رژیم صهیونیستی با حماس – که اساساً یک گروه سنی است – تحت‌الشعاع موضع برتر گروه‌مقاومت شیعه لبنانی حزب‌الله پیچیده‌تر شده‌است. چه کسی تصور می‌کرد تنها یک دهه پس از شورش وهابون داشی و سلفی‌های القاعده به ادعای نمایندگی از اهل سنت علیه دولت‌های شیعه عراق، سوریه و ایران، حالا یک زرادخانه شیعه ۱۵۰ هزار موشکی به حمایت از سنی‌ها بر خیزد؟ هم‌زمان گروه شیعه زیدی انصارالله یمن نیز که عموماً به عنوان «حوثی‌ها» شناخته می‌شود، شروع به زدن مواضع اسرائیل با موشک کرده‌است.

با در نظر گرفتن این موضوع، مرشایمر چنین استدلال می‌کند که نه تنها اسرائیل بازنده بزرگ درگیری‌های جاری است، بلکه این رژیم منحرف خواهانست ایالات متحده را هم به ورطه شکست کشانده، در حالی که هم‌زمان خشم اعراب از آمریکا را هم برانگیخته و حتی صدای متحدان واشنگتن در مصر، اردن و ۶ پادشاهی نفتی خلیج‌فارس درآمده‌است.

مرشایمر در گفتوگو با اندرو ناپولیتانو تحولات را چنین بسط می‌دهد: «این شکست به نفع روسیه بود و باعث ورود جدید و دیدنی چین به صحنه بین‌المللی شد که روابط بسیار خوبی با عربستان و ایران برقرار کرده‌است».

آلفردو خلیفه رحمه، استاد و تحلیلگر برجسته مکزیکی در تفسیر سخنان مرشایمر می‌نویسد: «به نظر من، شکست نسبی (غیرمستقیم) آمریکا در غزه بسیار کمتر از شکستی است که در اوکراین متحمل شد و این از سببی نواخته شده به گوش آمریکا از آغوش دوگانه شی‌جین‌پینگ و همتای روس وی پوتین مشهود است، شکست اسرائیل در اوکراین خطوط نظم نوین جهانی را مشخص کرد در حالی که گیر افتادن اوکراین در غزه فقط خسراش را عمیق‌تر می‌کند».

توضیح مرشایمر از پیروزی نسبی ایران نیز به خودی خود شگفت‌انگیز است، بویژه وقتی می‌بینیم یک عضو ارشد شورای روابط خارجی ایالات‌متحده CFR، برتری جمهوری اسلامی بر آمریکا و متحد صهیونیستش را تئوریزه می‌کند.

مرشایمر پیروزی اخیر ایران را وابسته به ۳ تاریخ مهم بر می‌شمارد که از اول آوریل / ۱۳ فروردین آغاز می‌شود؛ زمانی که رژیم صهیونیستی کنسولگری ایران

«آمریکا و اسرائیل باخند؛ ایران برنده شد».

البته نمی‌توان خوشبینی همیشگی این استاد مکتب نئورالیست یا «وواقع‌گرا»، همچنان بلندترین صدا را در میان شخصیت‌های بانفوذ در سیاست غرب به خود اختصاص می‌دهد که واقعیت زوال هژمونیک غرب و پادگان صهیونیستی‌اش در منطقه خاورمیانه را بر اثر جنگ غزه فریاد می‌زند. نام این شخصیت آکادمیک یهودی، از ۲ سال و اندی پیش با آغاز جنگ اوکراین، دوباره بر سر زبان‌ها افتاد؛ جنگی که از نگاه او نتیجه بروز خطا در سیاست‌های واقع‌گرایانه واشنگتن علیه خصم شرقی‌اش است.

تهاجمات وحشیانه اسرائیل به فلسطینیان بی‌پناه غزه که فصولی جدید از «جنایت علیه بشریت» را پیش چشم جهانیان گشود، مرشایمر را در ۲۶ سالگی بیش از پیش در جهت آگاهی‌رسانی در رابطه با تحولات بین‌المللی شتابانی که در شرف وقوع است، فعال کرده‌است.

استاد برجسته علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو با آنکه معتقد به نالیسیسم‌تهاجمی‌شاعر معروف «ایایا ما هستید

یا علیه ما» – که پیش‌تر از زبان بوش‌های پدر و پسر شنیده‌ایم – محسوب می‌شود اما به واسطه آنکه اصل را بر منافع ملی آمریکا قرار می‌هد، کارزارهای جنگی اخیر نومحافظه‌کاران واشنگتن، ناتو و تل‌آویو در شرق اروپا و خاورمیانه را عاری از واقع‌گرایی می‌شناسد.

در ۸ ماه اخیر، او چند بار در پروز و ظهورهای رسانه‌ای خود، ماهیت ورشکسته کارزار نظامی اسرائیلی‌ها علیه غزه را برملا کرده که بدرستی دولت ایالات متحده را در آن دخیل می‌شمارد. در مقابل نیز بارها توسط رسانه‌های عبری و رسانه‌های جمعی شرکتی غرب مورد تحقیر قرار گرفته‌است. هر چند تحقیر توسط صهیونیست‌ها نمی‌تواند جایگاه علمی و نظری بلند او را خدشادر کند. این که استثنائی رسانه‌ای در غرب است، چرا که جایگاه شاخص مرشایمر در مکتب نواقع‌گرایی در روابط بین‌الملل و به عنوان عضو ارشد شورای روابط خارجی ایالات‌متحده CFR که مهم‌ترین اندیشکده سیاست عمومی آمریکاست – و حتی برخی را واداشته او را یکی از ۳ نظریه‌پرداز ژئوپلیتیک برتر آمریکا برشمارند – به او اجازه می‌دهد دکتترین خیره‌کننده‌اش درباره وضعیت اسفبار رژیم صهیونیستی قبل و بعد از عملیات توفان الاقصی (۷ اکتبر/ ۱۵ مهر) توسط حماس را بدون نیاز به سسر و صداهای رسانه‌های جریان اصلی، به عنوان نظریه‌ای مرجع فراگیر کند.

او در کنفرانسی که ماه گذشته میلادی در شعبه استرالیایی مرکز مطالعات بین‌المللی CIS به دعوت «تام سوتیز» بر گزار کرد، از آنچه در فلسطین اشغالی در شرف وقوع است ۲ برداشت کلی و کلیدی داشت: